

فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت

دوره دوم، شماره ۲۵ - شماره پیاپی ۴۳ - زمستان ۱۳۸۹ و بهار ۱۳۹۰

مقاله شماره ۱ - صفحات ۲۰-۵

رابطه فلسفه تربیتی معلمان با سبک تدریس آنان

نویده عفاف^۱

دکتر محمد حسن پرداختچی^۲

چکیده

بیان ارتباط بین سلسله مباحث مربوط به معرفت شناسی و روش شناسی بخصوص در تعلیم و تربیت یکی از موضوعات اساسی مورد نظر فلاسفه تربیتی است. سبک تدریس را رفتار عملیاتی یا فلسفه تربیتی معلم می دانند. سبک تدریس فرائز از رفتار یا روش است، سبک تدریس رفتارها و روش هایی است که بایستی مبتنی بر یک نظام ارزشی خاص باشد که معلم به آن باور دارد. این نظام ارزش ها، فلسفه تدریس است. سوال اصلی تحقیق حاضر بررسی رابطه بین فلسفه تربیتی معلمان با سبک تدریشان است. روش تحقیق حاضر پیمایشی از نوع همبستگی بوده و با نمونه گیری طبقه ای تصادفی، تعداد ۳۸۶ نفر، از بین ۴۷۹۶ معلم شاغل در مدارس دولتی منطقه ۵ شهر تهران در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ با پرسشنامه های فلسفه ی آموزشی از وایلز و باندی و پرسشنامه سبک های تدریس از هانی و مامفورد مورد بررسی و تحلیل آماری قرار گرفتند. یافته ها تحقیق نشان می دهد که: فلسفه تربیتی غالبی بین معلمان مشاهده نمی شود، بین فلسفه تربیتی معلمان و سبک تدریشان با احتمالات کم و زیاد رابطه مستقیم وجود دارد.

کلید واژه ها: فلسفه تربیتی، سبک تدریس

مقدمه

^۱ کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور مرکز تهران

^۲ دانشگاه شهید بهشتی

مهمترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق اهداف آموزشی، معلم است. اوست که می تواند نقص کتاب های درسی و حتی کمبود امکانات آموزشی را نیز جبران نماید؛ و یا برعکس، بهترین موقعیت و یا موضوع تدریس را با سبک تدریس نامناسب خود به شرایطی غیر فعال و نامطلوب تبدیل نماید. در فرایند تدریس تنها تجارب و دیدگاه های علمی معلم نیست که مؤثر واقع می شود؛ بلکه کل شخصیت، و در نتیجه جهان بینی و دیدگاه او نسبت به هستی و انسان و در نهایت فلسفه ای که او به آن اعتقاد دارد در عملکردش حین تدریس و خصوصاً سبک تدریسش است (شعاری نژاد، 1374، ص 64). در حالی که فلسفه راهنمای عمل تربیتی است، تربیت نیز با تحقیقات خود اطلاعات اساسی برای داوری های فلسفی فراهم می سازد. به همین دلیل است؛ که فیلسوفان به اظهار نظر در مورد مسائل تربیتی راغب می شوند (ابراهیم زاده، 1371، ص 67). به نقل از لوکاس، زین (1990) سبک تدریس را رفتار عملیاتی یا فلسفه تربیتی معلم می داند. به نظر او سبک تدریس فراتر از رفتار یا روش است، بلکه سبک تدریس رفتارها و روش هایی است که بایستی مبتنی بر یک نظام ارزشی خاص باشد که معلم به آن باور دارد. این نظام ارزش ها، فلسفه تدریس است (Locas, 2005, p32). چنانچه گوتک نیز معتقد است: "روش شناسی و سبک تدریس معلمین تحت تاثیر فلسفه، تئوری های سیاسی، هستی شناسی، متون تخصصی و هنر شکل دادن به اهداف متعدد تعلیم و تربیتی قرار دارد" (stone, eta, 1995, p 1). آرا جدید نشان می دهد که آموزش و پرورش در جهان کنونی پیچیده تر از آن است که تنها بر مبنای آرا مریبان بزرگ گذشته، یا استلزامات تربیتی مکاتب رسمی فلسفی قایل تبیین باشد. بنابراین گوتک امیدوار است که: مطالعه ی فلسفه ی آموزش و پرورش معلمان را ترغیب نماید تا اهداف وسیع شخصی و حرفه ای که باید، عمل تربیت راهدایت کند را بررسی و صورت بندی نمایند (گوتک، 1384، ص 20). در این تحقیق به بررسی وجود و یا عدم رابطه بین این دو متغیر الف (فلسفه تربیتی معلمان و ب) رفتار آنان در کلاس درس با مفهوم سبک تدریس، پرداخته می شود. لذا محقق طی پژوهش حاضر در صدد بررسی وجود و یا عدم رابطه بین فلسفه تربیتی معلمان در پنج مکتب تربیتی (وجود گرایی، پیشرفت گرایی، بازسازی گرایی، ماهیت گرایی و پایدار گرایی) با سبک تدریس آنان در چهار سبک (فعالیت گرا، اهل تفکر، نظریه پرداز و عمل گرا) می باشد. به طور کلی پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ به این سوال اصلی است که: آیا رابطه ای بین فلسفه تربیتی دبیران با سبک تدریشان وجود دارد؟ گام اول در طراحی یک برنامه آموزشی، شناخت صحیح از موقعیت می باشد.

الف- اهداف اصلی این تحقیق عبارتند از: - بررسی فلسفه تربیتی دبیران در جامعه مورد نظر - بررسی سبک تدریس دبیران در جامعه مورد نظرب - اهداف فرعی این تحقیق عبارتند از: - بررسی رابطه بین هر

یک از فلسفه های پنجگانه تربیتی (وجود گرایی، پیشرفت گرایی، بازسازی گرایی، ماهیت گرایی، و پایدار گرایی) با سبک های چهارگانه تدریس (فعالیت گرا، اهل تفکر و تأمل، نظریه پرداز، عملگرا).- بررسی تفاوت فلسفه تربیتی معلمان و سبک تدریس آن ها بر حسب متغیر های شخصی (تعدیل کننده، یا میانجی) همچون جنسیت، سن، میزان تحصیلات، سابقه تدریس، مقطع تدریس نیز از جمله اهداف فرعی پژوهش است. اصطلاحات و واژه ها برای افراد، در موقعیت های متفاوت و با خرده فرهنگ های متنوع دارای معانی مختلفی هستند. گاهی اوقات مفاهیم دچار خلط می شوند و کژ فهمی به بار می آورند. لذا محقق در کاربرد واژه های کلیدی این تحقیق ناگزیر از تعریف آن ها می باشد. فلسفه تربیتی^۱ (فلسفه تربیت) یا (حکمت تربیت) معرفی است؛ برای راهگشایی خرد مندا نه در عمل تربیتی (ابراهیم زاده، ۱۳۷۱، ص ۶۹). در تحقیق حاضر پنج فلسفه تربیتی به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته است. الف) وجود گرایی^۲: اگزیستانسیالیسم در فارسی به (وجود گرایی) و (اصالت وجود) نیز ترجمه شده است. و اصولاً بر ذهنیت انسان، آزادی فردی، و مسئولیت شخصی تأکید دارد. و آموزش و پرورش اگزیستانسیالیستی، آزادی انسان را به عنوان مهمترین وظیفه خود تلقی می کند (شعاری نژاد، ۱۳۷۴، ص ۳۰۲). ب) پیشرفت گرایی^۳: این فلسفه که از واقع گرایی و عمل گرایی سرچشمه می گیرد؛ معتقد است که: مهمترین واقعیت تغییر است. تجربه و آزمایش دو کلمه کلیدی آموزش و پرورش هستند و باید اساس آموزش قرار گیرند. ضمناً آموزش و پرورش، زندگی است نه آماده شدن برای زندگی و یادگیری باید بر همکاری یادگیری اجتماعی مبتنی باشد نه رقابت. نقش معلم این است که مشاور کودک باشد نه رهبر مستقیم (شعاری نژاد، ۱۳۷۴، ص ۳۱۲). ج) بازسازی گرایی^۴: این فلسفه تربیتی از عمل گرایی و پیشرفت گرایی ریشه می گیرد و شدیداً از آن ها متأثر است و فرق عمده آن با دو فلسفه تربیتی دیگر در درجه تأکید آن است نه در نوع آن، بازسازی گرایی نیز مانند پیشرفت گرایی به دموکراسی اعتقاد دارد و معتقد است که اداره ی جامعه باید به خود مردم واگذار شود. این فلسفه تربیتی بیش از پیشرفت گرایی روی جامعه و اصلاح آن تأکید می کند. به نظر این مکتب این جامعه است که مردم را آن چنان که هستند؛ می سازد (شعاری نژاد، ۱۳۷۴، ص ۳۱۸). د) ماهیت گرایی^۵: ماهیت گرایی یا (بنیاد گرایی)

1-Education philosophy

2-Existentialisms

3-Progressivism

4-Reconstructionism

5-Essentialism

اساساً از ایده آلیسم سرچشمه می گیرد و بیشتر روی زمان حال تأکید می کند و هدف آن از آموزش کمک به دانش آموزان برای سازگاری با دنیای واقعی جامعه موجود است. پیروان این مکتب فکری و تربیتی به وجود اصول معینی معتقدند، که همه مردم باید آن را بدانند اگر (فرهیخته)^۱ باشند و آن ها را معمولاً با عنوان مهارت های اساسی خواندن، نوشتن، و حساب کردن تعریف می کنند. به کوشش و کار سخت در یادگیری معتقدند و معلم را میانجی یا واسطه بین دانش آموزان و مهارت های پایه می دانند. ایشان مواد و موضوعات را قلب آموزش و پرورش می پندارند و روش های سنتی (پرورش ذهنی)^۲ را می پذیرند. به عقیده آن ها مطالب درسی باید دارای نظم منطقی باشد و به روش منطقی تدریس شوند. (شعاری نژاد، ۱۳۷۴، ص ۲۸۶). ه (پرنیالیسم^۳: پرنیالیسم نیز به (پایدارگرایی)، (ابدیت گرایی)، (جاودان گرایی) و (نئو تومیسیم) در فارسی ترجمه شده است. نظریه پایدارگرایی در تعلیم و تربیت از فلسفه های رئالیسم و تومیسیم، بهره گیری فراوانی کرده است. به پیروی از این اصل ارسطویی که انسان موجود عاقلی است؛ مدرسه را به صورت نهادی اجتماعی که بالاخص برای پرورش قوای عقلانی انسان طرح ریزی شده است، در نظر می گیرند و معتقدند که: اصول مهم آموزش و پرورش تغییر ناپذیر و مکررند (شعاری نژاد، ۱۳۷۴، ص ۲۷۳).

سبک تدریس^۴: به نقل از لوکاس، کاپلان وکی یز (۱۹۹۵) سبک را رفتار های شخصی معلم می دانند رسانه ها را جهت انتقال و دریافت داده ها به فراگیران جزء سبک تدریس قلمداد می کنند. زین (۱۹۹۰) سبک تدریس را رفتار عملیاتی یا فلسفه تربیتی معلم می داند. (Locas, 2005, p 32) هانی و مامفورد با الهام گرفتن از تقسیم بندی چرخه یادگیری کولب، چهار سبک مشروح زیر را برای سبک تدریس مطرح می کنند:

الف) فعالیت گرا؛ افرادی که دارای سبک تدریس فعال هستند؛ اهل جنب و جوش اند؛ جلوی کلاس و در معرض دید دانش آموزان قرار می گیرند؛ با فراگیران میانه خوبی دارند؛ پر انرژی و پر جنب و جوش اند؛ از تجربیات و تمرینات مشارکت آمیز در کلاس استفاده می کنند؛ شوخ طبع هستند و در حین تدریس از طنز، ضرب المثل،

1-Educated

2-Mental discipline

3 -Perennials

4-Teaching style

حکایت و خاطرات و تجارب شخصی استفاده می کنند تا فراگیران را سر حال و سر زنده نگه دارند.

ب) اهل تأمل و تفکر^۱؛ افرادی که دارای سبک تدریس تأمل گرا هستند؛ خود را برای تدریس کاملاً آماده می کنند؛ به دقت به صحبت های مخاطب گوش می دهند؛ فراگیران را تشویق می کنند آن چه را که آموخته اند را مورد بحث قرار دهند؛ به فراگیران کمک می کنند تا گزینه ها و راه حل های گوناگون را کشف و بررسی کنند؛ سوالات باز پاسخ طرح می کنند؛ درباره مطالب و مباحث درسی تفکر و تأمل کنند و دقت و زمان لازم را صرف این کار نمایند.

ج) نظریه پرداز^۲؛ افرادی که دارای سبک تدریس نظریه پردازی هستند؛ برای کارهای خویش جدول زمانی تهیه می کند و به آن پای بند هستند؛ اهداف و روش های کار را تعیین و تبیین می کنند؛ سیستماتیک و منظم هستند؛ مباحث را تلخیص و ترکیب می کنند؛ سوالات کاوشگرانه مطرح می کنند؛ برای آن که به قطعیت و یقین برسند به جزئیات توجه می کنند و آن ها را مورد بررسی قرار می دهند.

د) عملگرا^۳؛ عملگرایان خود را به عنوان الگو مطرح می کنند؛ (دست به آچارند)؛ دستورالعمل ها، راهنمایی و اشارات کاربردی ارائه می دهند؛ فنون معین و مشخص و کاربردی را به فراگیران یاد می دهند؛ از مورد پژوهی ها برای نشان دادن بهترین نحوه عمل استفاده و واقعیت را آن چنان که هست شبیه سازی می کنند و از شبیه سازی های واقع گرایانه استفاده می کنند (پرداختچی، 1386، ص 12).

روش پژوهش

برای انجام این تحقیق دو متغیر فلسفه تربیتی معلمان و سبک تدریس شان در بین کلیه معلمان منطقه 5 آموزش و پرورش شهر تهران با روش پیمایشی (یا پس رویدادی) از نوع همبستگی مورد سنجش قرار گرفته اند؛ و رابطه دو متغیر محاسبه گردیده است. تعداد نمونه های مورد نظر با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای و با استفاده از جدول مورگان تعداد 357 نفر تعیین گردیده است، که در جدول زیر منعکس می باشد.

1Reflector

2Theorist

3Pragmatist

جدول شماره (1)

ردیف	مقطع اصلی تدریس	جنسیت	تعداد جمعیت	تعداد نمونه
	ابتدایی	مرد	64	4
	ابتدایی	زن	1335	96
	مجموع ابتدایی	معلمان	1399	100
	راهنمایی	مرد	401	31
	راهنمایی	زن	798	60
	مجموع راهنمایی	دبیران	1199	91
	متوسطه	مرد	685	53
	متوسطه	زن	1475	113
	مجموع متوسطه	دبیران	2160	166
	جمع کل		4758	357

جهت جمع آوری اطلاعات میدانی پرسشنامه ای در سه بخش تدوین گردیده که به ترتیب شامل سه قسمت زیر می باشد. بخش (الف) پرسشنامه شامل مشخصات فردی معلمان است. بخش (ب) پرسشنامه مربوط به تعیین سبک تدریس است. که شامل 20 سؤال بوده. توسط هانی و مامفورد در سال 1986 تدوین یافته؛ و هر 5 سؤال آن یک سبک تدریس را مورد سنجش قرار می دهد. بخش (ج) پرسشنامه که مربوط به تعیین پیش فرض های فلسفه تربیتی معلمان¹ است. که مرکب از 40 سوال بوده؛ و توسط وایلز و باندی در سال 1993 تدوین یافته است؛ که هر 8 سؤال یکی از مکاتب فلسفه تربیتی را مورد سنجش قرار می دهد.

روایی و پایایی پرسشنامه: ابتداروایی پرسشنامه توسط اساتید متخصص در هر دو رشته از جمله اساتید راهنما و مشاور و مدیریت گروه مورد تأیید قرار گرفته است. سپس جهت تعیین پایایی پرسشنامه ها و محاسبه آلفای کرونباخ بر روی 30 نفر از معلمان و دبیران منطقه 5 شهر تهران بر اساس طبقه بندی جامعه انتخاب و مطالعات اولیه انجام گردید .

جدول شماره (2)

1- Philosophy preferences Assessment

پرسشنامه	ضریب آلفای کرونباخ
پرسشنامه (ب) سبک تدریس	.84
پرسشنامه ی (ج) فلسفه تربیتی	.82

روش های تجزیه و تحلیل اطلاعات و نتایج آماری: برای تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار Spss از آمارهای توصیفی مانند: شاخص های گرایش مرکز، شاخص های پراکندگی، جداول فراوانی، و نمودار استفاده شده است. از آمارهای استنباطی مانند: t تک گروهی، t برای دو گروه مستقل، تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. تجزیه تحلیل داده های مربوط به سوال اصلی اول تحقیق: فلسفه تربیتی دبیران در جامعه مورد مطالعه چیست؟

جدول (3): شاخص های آماری مربوط به فلسفه های تربیتی

فلسفه ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
وجودگرا	363	2.2817	.56831	.02983
پیشرفت گرا	363	1.7896	.43996	.02309
بازسازگرا	363	1.9556	.48693	.02556
ماهیت گرا	63	2.4087	.54911	.02882
پایدارگرا	63	1.9487	.52926	.02778

جدول شماره (4) آزمون t تک گروهی برای هر یک از فلسفه های تربیتی

ارزش آزمون= 3						فلسفه های تربیتی
فاصله اعتماد 95٪ برای تفاوتها		تفاوت از میانگین	سطح معنا داری	درجه آزادی	t	
حد بالا	حد پایین					
-6597	-777	-718	.000	62	- 24.08 2	وجودگرا
- 1.1650	-1.255	-1.210	.000	62	- 52.41 6	پیشرفت گرا
-.9942	-1.094	-1.044	.000	62	- 40.86 6	بازسازی گرا
-.5346	-.647	-.591	.000	362	- 20.51 5	ماهیت گرا
-.9967	-1.105	-1.051	.000	362	- 37.84 5	پایدارگرا

t محاسبه شده با درجه آزادی 362 و در سطح 0/05 برای تمامی فلسفه های تربیتی کوچکتر از مقدار

بحرانی $t(1/96)$ می باشد بنابراین بین میانگین‌های مشاهده شده و میانگین فرضی (3) تفاوت معناداری وجود دارد. اما این تفاوت ها به گونه‌ای است که در میانگین‌های مشاهده شده کوچکتر از میانگین فرضی می باشد. لذا فرض صفر رد می شود و با اطمینان 95٪ می‌توان گفت هیچ فلسفه غالبی در این زمینه دیده نمی شود.

2-3-4 تجزیه تحلیل داده های مربوط به سوال اصلی دوم تحقیق

سبک تدریس دبیران در جامعه مورد نظر چیست؟ همانطور که دیده می‌شود، t محاسبه شده با درجه آزادی 362 و در سطح 0/05 برای تمامی سبک‌ها کوچکتر از مقدار بحرانی $t(1/96)$ می باشد. بنابراین بین میانگین‌های مشاهده شده و میانگین فرضی (3) تفاوت معناداری وجود دارد. اما این تفاوت ها به گونه‌ای است که میانگین‌های مشاهده شده کوچکتر از میانگین فرضی می باشد. لذا فرض صفر رد می شود و با اطمینان 95٪ می‌توان گفت هیچ‌یک از سبک‌های تدریس حتی در حد متوسط نیز مورد توجه نمونه‌های تحقیق نبوده است و سبک غالبی در این زمینه دیده نمی شود.

جدول (5): شاخص های آماری مربوط به سبک های تدریس

سبک های تدریس	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
فعالیت گرا	363	1.5840	.45246	.02375
عمل گرا	363	1.6573	.47527	.02495
تامل گرا	363	1.8871	.55416	.02909
نظریه پرداز	363	1.7515	.50900	.02672

جدول (6): $t(14-4)$: آزمون t تک گروهی برای هر یک از سبک های تدریس

Test Value = 3						سبک ها
فاصله اعتماد 95٪ برای تفاوت		تفاوت از میانگین	معنا سطح داری	درجه آزادی	T	
حد بالا	حد پایین					
-1.3693	-1.4627	-1.41598	.000	362	-59.626	فعالیت گرا
-1.2936	-1.3918	-1.34270	.000	362	-53.826	عملگرا
-1.0557	-1.1701	-1.11295	.000	362	-38.264	تامل گرا
-1.1959	-1.3010	-1.24848	.000	362	-46.733	نظریه پرداز

تجزیه تحلیل داده های مربوط به سوال فرعی اول تحقیق: آیا رابطه ای بین هر یک از فلسفه های پنجگانه تربیتی (وجود گرایی، پیشرفت گرایی، بازسازی گرایی، ماهیت گرایی، و پایدار گرایی) معلمان با سبک های

چهارگانه تدریس (فعالیت گراء، اهل تفکر و تأمل، نظریه پرداز، عملگرا) آنان وجود دارد؟

در پاسخ به سؤال فرعی اول تحقیق محاسبه همبستگی (r_{xy}) بین هر دو متغیر موجود در هر یک از فلسفه های پنج گانه تربیتی با سبک های چهار گانه تدریس نشان دهنده ی همبستگی مستقیم و بالا بین این متغیرها می باشد. بنابراین نتیجه گرفته می شود که افزایش یکی از آن ها موجب افزایش دیگری و برعکس می شود. صحت عملیات، همبستگی متغیرهای فوق با استفاده از ضریب کندال تائو b نیز محاسبه گردید که نتیجه مشابه بود.

جدول شماره (7) ماتریس ضرایب همبستگی دو متغیری پیرسون بین «انواع فلسفه تربیتی» و «انواع سبک تدریس»

	فعالیت گرا	عمل گرا	تأمل گرا	نظریه‌پرداز	وجودگرا	پیشرفتگرا	بازسازگرا	ماهیت گرا	پایدارگرا
فعالیت گرا	1	.646(**)	.629(**)	.557(**)	.315(**)	.385(**)	.385(*)	.220(**)	.303(**)
		.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000
	363	363	363	363	363	363	363	363	363
عمل گرا	.646(**)	1	.610(**)	.658(**)	.324(**)	.382(**)	.392(*)	.223(**)	.306(**)
	.000	.000	.000	.00	.000	.000	.000	.000	.000
	363	363	363	36	363	363	363	363	363
تأمل گرا	.629(**)	.610(**)	1	.592(**)	.406(**)	.401(**)	.386(*)	.281(**)	.318(**)
	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000
	363	363	363	363	363	363	363	363	363
نظریه‌پرداز	.557(**)	.658(**)	.592(**)	1	.329(**)	.379(**)	.392(*)	.309(**)	.383(**)
	.000	.000	.000	.000	.000	.00	.000	.000	.000
	363	363	363	363	363	36	363	363	363
وجودگرا	.315(**)	.324(**)	.406(**)	.329(**)	1	.604(**)	.549(*)	.501(**)	.545(*)
	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000
	363	363	363	363	363	363	363	363	363
پیشرفت گرا	.385(**)	.382(**)	.401(**)	.379(**)	.604(**)	1	.662(*)	.514(**)	.620(**)
	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000
	363	363	363	363	363	363	363	363	363
بازسازگرا	.385(**)	.392(**)	.386(**)	.392(**)	.549(**)	.662(**)	1	.627(*)	.690(**)
	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000
	363	363	363	363	363	363	363	363	363
ماهیت گرا	.220(**)	.223(**)	.281(**)	.309(**)	.501(**)	.514(**)	.627(*)	1	.665(**)
	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000
	363	363	363	363	363	363	363	363	363
	.303(**)	.306(**)	.318(**)	.383(**)	.545(**)	.620(**)	.690(*)	.665(**)	1

ایدارگرا	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000	.000
	363	363	363	363	363	363	363	363

توجه: سطح معناداری ضرایب در آزمون های دوسویه مشخص شده است.

یافته های تحقیق

در پاسخ به سؤال فلسفه تربیتی دبیران در جامعه مورد مطالعه چیست؟ با اطمینان 95٪ می توان گفت هیچ یک از فلسفه های تربیتی حتی در حد متوسط نیز مورد توجه نمونه های تحقیق نبوده است و فلسفه غالبی در این زمینه دیده نمی شود. فلسفه ماهیت گرایی، وجود گرایی، بازسازی گرایی، پایدار گرایی و پیشرفت گرایی به ترتیب میانگین های به دست آمده در اولویت قرار دارند. در پاسخ به سؤال سبک تدریس دبیران در جامعه مورد نظر چیست؟ با اطمینان 95٪ می توان گفت هیچ یک از سبک های تدریس حتی در حد متوسط نیز مورد توجه نمونه های تحقیق نبوده است و سبک غالبی در این زمینه دیده نمی شود، سبک های اهل تامل و تفکر، نظریه پرداز، عمل گرایی و فعالیت گرا به ترتیب میانگین های به دست آمده در اولویت قرار دارند. در پاسخ به سؤال آیارابطه ای بین فلسفه تربیتی دبیران با سبک تدریستان وجود دارد؟ با توجه به توصیف و تحلیل تک تک متغیر های تحقیق آن چه مسلم می گردد این است که، بین فلسفه تربیتی معلمان با سبک تدریس آن ها به احتمال 95٪ اطمینان رابطه معنا دار وجود دارد و فرضیه محقق تأیید می شود. از شکل ترسیم شده می توان چنین نتیجه گیری نمود که: درحالی که میزان احتمال استفاده از انواع سبک های تدریس در معلمان که دارای فلسفه تربیتی باز سازی گرایی هستند به مراتب بیشتر از دیگر معلمان بوده و برعکس معلمان دارای فلسفه تربیتی ماهیت گرایی با کمترین احتمال از سبک های تدریس متنوع در فرایند یاددهی - یادگیری کلاس درس استفاده می کنند. در پاسخ به سؤال فرعی دوم تحقیق می توان چنین نتیجه گیری نمود که: مردان بیشتر از زنان به فلسفه وجود گرایی اعتقاد دارند. و به غیر از فلسفه وجود گرایی بین میانگین نمرات این دو گروه بر حسب جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد. و با اطمینان 95 مردان بیشتر از زنان از سبک های فعالیت گرا، عملگرا و تامل گرا استفاده می کنند، در حالیکه زنان بیشتر از مردان از سبک نظریه پرداز استفاده می کنند. با افزایش سن و سابقه گرایش به فلسفه وجود گرایی افزایش می یابد. و در دیگر موارد تفاوت معنا داری مشاهده نشده است. ولیکن استفاده از سبک فعالیت گرایی با افزایش سن کاهش یافته و استفاده از سبک های نظریه پردازی و تامل گرایی افزایش می یابد. و همچنین بر حسب سابقه تدریس در سبک فعالیت گرا، عمل گرایی، اهل تفکر و نظریه پرداز تفاوت معناداری وجود دارد. بر حسب مدرک بین

دارندگان دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس با فوق لیسانس فقط در فلسفه پیشرفت‌گرایی و پایدارگرایی تفاوت معنادار دیده می‌شود. و در سایر مقایسه‌ها تفاوت معناداری مشاهده نشده. مدرک تحصیلی در استفاده از سبک‌های تدریس توسط نمونه‌های تحقیق مؤثر نبوده است. بر حسب مقطع در فلسفه وجودگرایی و پیشرفت‌گرایی بین ابتدایی با راهنمایی و متوسطه، و در فلسفه بازسازی‌گرایی و ماهیت‌گرایی فقط بین ابتدایی با متوسطه تفاوت معناداری دیده می‌شود. ولیکن در فلسفه پایدارگرایی تفاوت معناداری مشاهده نشده. و همچنین بر حسب مقطع در سبک تدریس فعالیت‌گرایی، عمل‌گرایی و تأمل‌گرایی تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی استفاده از سبک‌های فعالیت‌گرا و عمل‌گرا و تأمل‌گرایی در مقطع ابتدایی بیشتر از دیگر مقاطع است.

بحث و نتیجه‌گیری

در یک نگاه گذرا به تحقیقات قبلی تاکنون در ایران درباره‌ی ذهنیت فلسفی بررسی‌های زیادی انجام گرفته است ولیکن تحقیقات انجام شده در زمینه فلسفه تربیتی به تعداد انگشتان یک دست بوده و همچنین هیچ تحقیقی درباره‌ی سبک تدریس به ثبت نرسیده است. بنابراین در ادامه فقط نتایج مرتبط با تحقیق حاضر مطرح می‌گردد. طهمورث نورایی در رساله دکتری خود با عنوان «ارتباط بین فلسفه آموزشی و سبک رهبری مدیران با جو سازمانی در گروه‌ها و دانشکده‌های تربیت بدنی» به راهنمایی دکتر علی محمد امیر تاش از دانشگاه تربیت معلم در سال 1384 می‌گویند. - میانگین نمرات مدیران در فلسفه جاودان‌گرایی 28/1، آرمان‌گرایی 26/9، واقع‌گرایی 30/5، تجربه‌گرایی 33/6 و وجودگرایی 28 از 40 بوده است. بیشترین نمره مربوط به تجربه‌گرایی و کمترین نمره مربوط به فلسفه آرمان‌گرایی است. در اغلب گروه‌ها و دانشکده‌ها فلسفه تجربه‌گرایی فلسفه غالب مدیران بودند. - بین فلسفه‌های آموزشی و جو سازمانی و زیر مجموعه‌های آن ارتباط معنی‌دار مشاهده شده است. مهری اعزازی در پایان نامه خویش با عنوان: «بررسی رابطه فلسفه تربیتی معلمان راهنما با عملکرد آنان در شهر مشهد در سال تحصیلی 1375-76» به راهنمایی دکتر محمد حسن پرداخت چی از دانشگاه شهید بهشتی به نتایجی دست یافتند. رابطه مثبت بین فلسفه تربیتی معلمان راهنما با عملکرد آنان موجود است. - معلمان راهنما با فلسفه تربیتی وجودگرا عملکرد خوب دارند. - معلمان راهنما با فلسفه تربیتی تجربه‌گرا عملکرد متوسط دارند. - معلمان راهنما با فلسفه تربیتی ماهیت‌گرا عملکرد ضعیف دارند.

همچنین جدول همبستگی نشان می‌دهد که هر قدر از فلسفه ماهیت‌گرایی به سوی وجود‌گرایی میل شود، عملکرد معلمان راهنما نیز افزایش خواهد یافت. احد پورافشاری در پایان نامه خویش با عنوان

«رابطه دیدگاه تربیتی مدیران با عملکرد آنان در شهر مشهد، سال تحصیلی 79-1387» به راهنمایی دکتر امان...قرایی مقدم از اداره کل آموزش های ضمن خدمت به نتایجی مشابه با تحقیقات خانم اعزازی دست یافتند.

سید مهدی سجادی در رساله دکتری خویش با عنوان «تبیین و ارزیابی دیدگاه معرفت شناختی ایدئالیسم، رئالیسم و پراگماتیسم و دلالت های روش شناختی آن در فلسفه تربیتی» به راهنمایی دکتر علی شریعتمداری از دانشگاه تربیت مدرس در سال 1376 به نتایجی زیر دست یافتند: - با مطالعه ای که در آثار و اندیشه فلاسفه تربیتی مورد نظر از جمله افلاطون و باتلر (برای ایدئالیسم) و ارسطو و برودی و وایتهد (رئالیسم) و دیویی و کیلیاتریک (پراگماتیسم) انجام گرفته است می توان تناسب کامل بین دیدگاه معرفت شناختی آن ها با روش های پیشنهادی جهت آموزش و یادگیری را ملاحظه نمود. - تنها موقعی می توان به وحدت روش های یادگیری و آموزش در مکاتب فلسفی مورد نظر قائل بود که به وحدت معرفت شناختی معتقد بوده باشیم. بنا براین امکان سازگار شدن روش ها نیز در حد بسیار پایین وجود دارد و این سازگاری به معنی وحدت روش نیست. از یافته های تحقیق حاضر نیز چنین استنباط می شود که: هیچ یک از فلسفه های تربیتی حتی در حد متوسط نیز مورد توجه نمونه های تحقیق نبوده است و فلسفه غالبی در این زمینه دیده نمی شود. به بیان دیگر دبیران از فلسفه های مورد مطالعه اطلاع زیادی نداشته یا در عمل به آن ها پایبند نیستند.

عدم فلسفه تربیتی غالب، نشانگر نا کافی بودن اطلاعات معلمان در زمینه چگونگی و کیفیت های فلسفی بوده و حاکی از خودشناسی فلسفی اندک معلمان، می باشد. که شاید بتوان علل این سردرگمی را آموزش های ناکافی و غیر کاربردی دروس فلسفه ی تربیتی در دانشگاه های علوم تربیتی و تربیت معلم ها که موجبات نگرش غیر ضروری بودن کسب اطلاعات در این زمینه می گردد، دانست و یا عدم فلسفه تربیتی مدون در کشور موجبات سردرگمی معلمان برای استفاده از یک فلسفه تربیتی غالب به عنوان استراتژی آموزش و پرورش حاکم را فراهم نموده است. عدم سبک تدریس غالب نیز حاکی از این است که معلمان نسبت به سبک های یادگیری و تدریس خود آشنایی کافی ندارند، و احتمالاً از سبک های غالب یادگیری شان بدون خود آگاهی برای تدریس استفاده می نمایند. بنابراین دانش آموزانی با سبک های یادگیری متفاوت از سبک تدریس معلم، بهره کمتری از کلاس درس خواهند برد که تعداد این دانش آموزان به نسبت دانش آموزان هماهنگ با سبک معلم بیشتر است.

متأسفانه میزان این عدم بهره وری قابل اندازه گیری نبوده و به عنوان علل ناشناخته ی افت تحصیلی مطرح می گردد. با وجود براین که بین معلمان مورد مطالعه فلسفه ی تربیتی غالبی وجود ندارد ولیکن با میانگین بالاتر ماهیت گرایی و میانگین پایین تر پیشرفت گرایی می توان استنباط نمود که حتی به

صورت نا خود آگاه نیز استفاده از موضوع مداری بیش از کودک مداری در بین معلمان رایج است در حالیکه نتایج حاصل از دو تحقیق اعزازی و افشاری نیز حاکی از کارایی کمتر افراد دارای این نوع فلسفه در بین معلمان راهنما بوده است. و بالاتر بودن میانگین سبک تدریس اهل تامل و تفکر و پایین تر سبک فعالیت گرا حاکی از استفاده ی بیشتر از روش های تدریس غیرفعال به جای سبک های تدریس فعال است. با بیشترین احتمال (16%) می توان پیش بینی نمود که بین معلمان که دارای گرایش به فلسفه تربیتی وجودگرایی و پیشرفت گرایی هستند گرایش به استفاده از سبک تدریس اهل تفکر و تأمل افزایش می یابد با توجه بر محوریت تفکر و آزادی انسان در انتخاب موجود در مکتب وجودگرایی این کشش معقول است ولیکن هر دو این مکاتب بر محوریت فردی (کودک) و روش فعال (تجربه و آزمایش) در آموزش تأکید دارند که متأسفانه احتمال استفاده از سبک فعالیت گرایی در بین این دو گروه معلمان کمترین احتمال (10%) را دارا می باشد. البته نمی توان دلیل کم استفاده شدن این سبک را صرفاً به معلم وابسته دانست زیرا کمبود امکاناتی از قبیل هزینه زمان و فضای آزمایش گاهی و محدودیت های قانونی (اردوها) برای استفاده از موقعیت های طبیعی برای اجرای سبک های فعال باشد موانعی جدی به شمار آیند البته نمی توان ادعا نمود که این نقصان صرفاً به علت عدم آگاهی معلمان اتفاق می افتد، بلکه عدم فضاهای آزمایشگاهی متناسب با سبک های فعال و عمل گرا و بودجه بندی زمانی و موضوع مداری کتب درسی و نگرانی های کنکور و رعایت زمان بندی دقیق و در نتیجه ترویج فرهنگ رقابتی بین فردی در مدارس موجبات تضعیف کار های گروهی بین دانش آموزان را فراهم آورده است و در نتیجه شرایط لازم برای تحمل و ترکیب سبک های یادگیری بین دانش آموزان را از بین می برد. محدودیت های استفاده از فضاهای غیر آموزشی و قوانین دست و پا گیر شرایط را برای استفاده از سبک های پر هزینه تر محدود نموده و فرایند یادگیری و یاددهی را به سمت سبک های کم هزینه تر سوق می دهد. در حالی که میزان احتمال استفاده از انواع سبک های تدریس در معلمان که دارای فلسفه تربیتی باز سازی گرایی هستند به مراتب بیشتر از دیگر معلمان بوده و برعکس معلمان دارای فلسفه تربیتی ماهیت گرایی با کمترین احتمال از سبک های تدریس متنوع در فرایند یاددهی - یادگیری کلاس درس استفاده می کنند. بین معلمان که دارای فلسفه تربیتی پایدارگرایی هستند احتمال استفاده از سبک تدریس نظریه پرداز و عمل گرا افزایش می یابد.

پیشنهاد برای مسئولان

شکارتی به این نکته ضروری اشاره دارد که: چرا هنوز فلسفه آموزش و پرورش ایران مشخص و مدون نیست؛ و ما با کدامیک از دستورالعمل های تربیتی و آموزه های فلسفی و علمی جریان یاددهی به یادگیری را هدایت می کنیم. پاسخ این است که ضرورت تحلیل مسائل فلسفی آموزش و پرورش را بیش از پیش روشن

تر می سازد (شکاری، 1383، ص 51). بنابراین توقع می رود که فلسفه ای متناسب با نظر متخصصان آگاه طراحی گردیده و در اختیار معلمان برای اجرا در عمل قرار داده شود تا پس از کسب بازخورد مناسب مورد اصلاحات بعدی و باز بینی قرار گیرد تعیین مسیری استراتژیک رسیدن به مقصد را تسریع می بخشد. - بسیاری از موضوعات را با عمل کردن و جستجو بهتر می توان یاد گرفت.

- طراحان و برنامه ریزان درسی باید با وقوف بر این که یک موضوع معرفتی می تواند چند بعدی باشد، می توانند در کتاب های راهنمای معلم برای یک موضوع چند روش آموزش و یادگیری ارائه دهند تا معلمین بتوانند با توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان و با سبک و روش های تدریس متنوع خودشان از راهنمایی ها بهره ببرند.

- مراکز آموزش عالی و دانشگاه باید معلمان را بگونه ای تربیت کنند که ضمن آگاهی وسیع به مسائل نظری، تربیتی و روانشناسی، مهارت های لازم برای اجرای عملی را کسب نمایند تا معلمان با ایجاد نگرش های مثبت خود را در نظام تعلیم و تربیت مؤثر احساس کنند.

- آموزش و پرورش با تشکیل سمینار های تخصصی، همایش ها و آموزش ضمن خدمت معلمان امکان تقویت حرفه ای تر معلمان را فراهم نماید. بنا به گفته نیکنامی «معمولاً هزینه هایی که صرف آموزش ضمن خدمت معلمان می شود نوعی سرمایه گذاری است که بیشترین بازدهی را برای نظام آموزشی در پی دارد» (نیکنامی، 1384، ص 110).

پیشنهاد برای پژوهش های بعدی

از آن جایی که یافته های پژوهش وجود رابطه بین فلسفه تربیتی و سبک تدریس معلمان را تأیید می کند. به دیگر محققان پیشنهاد می شود که در موضوعات زیر نیز فعالیت نمایند.

بررسی نیمرخ فلسفی معلمان ایران

تأثیر فلسفه تربیتی معلم بر عملکردش در کلاس درس

بررسی نسبت تناسب سبک تدریس معلمان با سبک یادگیری دانش آموزانشان

بررسی رابطه بین سبک های یادگیری و تدریس معلمان

بررسی سبک تدریس معلمان با رشته تحصیلی و تدریستان

بررسی رابطه بین تعداد شاگردان کلاس بر میزان تنوع سبک های تدریس معلمان

بررسی تأثیر فشار های کنکور (تقویم زمانی) بر معلمان پیش دانشگاهی در تعیین فلسفه تربیتی شان

و استفاده از انواع سبک های تدریس

محدودیت های تحقیق

به علت محدودیت های زمانی و امکانات مالی برای محقق مقدور نبود که مناطق و شهر ها و گروه های بیشتری را برای انجام تحقیق تحت پوشش قرار دهد. عدم پیشینه پژوهشی در مورد سبک های تدریس و فلسفه تربیتی معلمان کار را بدیع و مشکل می نمود.

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی (1371) **فلسفه تربیت تهران**، انتشارات پیام نور.
- پرداخت چی، محمد حسن - 86-1385 - جزوه درسی - نظارت و راهنمایی .
- نیک نامی، مصطفی (1384) - **نظارت و راهنمایی آموزشی**، انتشارات سمت.
- گوتهک، جرال دال، ترجمه محمد جعفر پاک سرشت (1384) **مکاتب فلسفی و آرا تربیتی**، تهران، انتشارات سمت.

- شکوهی، غلامحسین (1378) **مبانی و اصول آموزش و پرورش** مشهد. شرکت به نشر .

- شکاری، عباس، 1383 **مسائل آموزش و پرورش و راهکار های آن** تهران نشر عابد.

- شعاری نژاد، علی اکبر (1381) **فلسفه آموزش و پرورش** انتشارات امیرکبیر چاپ ششم .

- Locas. Susan B, Who am I ? **The influence of teacher Beliefs on the In corporation or Instructional Technology** , Doctoral Dissertation , The University of Alaban.

- living ston .martha.j, mcclain . Benjamin r - **Assesing the consistency between teachers ,philosophies and educational goals.**